



DOI: 10.22034/mral.2024.2037902.1643

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۸

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۶/۰۶

واکاوی چالش‌های حضور شرکت‌های با اقامتگاه مضاعف در پروژه‌های نفت و گاز کشور

فرمان کرم روان^۱

مرتضی اسدللو^۲

ناصر مسعودی^۳

چکیده

در کشور ما، معیار تعیین تابعیت شرکت، بیتوجه باقی مانده است. تحت این شرایط، شرکت‌های ایرانی با فعالیت بین‌المللی، مجبور به انتخاب نام دیگر و ثبت شرکت در کشور ثالث می‌باشند. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و هدف آن است که چالش‌های اداری حضور شرکت‌های مذکور در پروژه‌های نفت و گاز کشور مورد بررسی قرار گیرد. در پروژه‌های مهم، به سبب عدم مالکیت تجهیزات، به توانایی شرکت‌های ایرانی اطمینان وجود ندارد و در شرایط تحریمی نیز هرگونه ارتباط بین شعبه خارجی شرکت و دفتر اصلی در ایران، تحت عنوان روابط برون‌مرزی تحت رصد بوده و می‌تواند پرهزینه باشد. در داخل کشور نیز ارتباطات مذکور از دیدگاه امنیتی نگرینسته شده که می‌تواند توسط مقامات مذکور تحت اتهاماتی نظیر پول‌شویی و خرابکاری قرار گیرد. نظام اداری حتی به شرکت‌های تمام ایرانی با فعالیت بین‌المللی نیز توجهی نداشته و این مهم موجب عدم انگیزه آنها در فعالیت‌های پرهزینه مذکور می‌گردد. در قوانین موضوعه، محدودیتی برای رسمیت تابعیت دوگانه شرکت‌ها ذکر نشده و مسئولین اداری-اجرایی، می‌توانند ضمن تصویب آئین‌نامه کامل در خصوص اجرای اصول ۴۱ و ۴۲ قانون اساسی، به بین‌المللی بودن شرکت رسمیت بخشند. در این صورت روابط داخلی شرکت، حتی با جنبه بین‌المللی فاقد حساسیت بوده و بسیاری از چالش‌های مذکور، به خودی خود قابل مرتفع شدن می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: شرکت، مناقصه و مزایده، نفت و گاز، تابعیت مضاعف، چالش‌های اداری.

۱. دانشجوی دکتری، حقوق خصوصی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. FarmanKAram@gmail.com

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران، (نویسنده مسئول) asadlou.m@gmail.com

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران، gharibelawyer@gmail.com

مقدمه

اشخاص شاکله جامعه شامل اشخاص حقیقی و حقوقی می‌باشند. هر انسان به محض تولد دارای شخصیت حقیقی بوده و در تجمیع اشخاص برای اهداف معین، اشخاص حقوقی شکل می‌گیرد. با توجه به تعدد دولت‌ها در جهان، اشخاص با نام دولت متبوع خود شناخته می‌شوند. تولد اشخاص حقوقی از نوع حقوق خصوصی، مستلزم ثبت در سازمان متولی بوده که به معنای کسب تابعیت آن نهاد است. در اکثر کشورهای غربی که تابعیت مضاعف ضمن رعایت تفکیک اداری، به دو نوع تابعیت اصلی و اکتسابی، به رسمیت شناخته شده است؛ شرکت‌های با تابعیت مضاعف و به اصطلاح بین‌المللی وجود دارند؛ اما در کشور ما، تابعیت مضاعف برای اشخاص حقوقی، رسمیت نداشته و تنها تابعیت ایرانی یا بیگانه مدنظر است.

در این شرایط، قوانین و مقررات اداری، به‌گونه‌ای طرح‌ریزی شده که وضعیت شرکت‌های فعال در جریان مناقصات و مزایادات، از یکی از دو طریق ایرانی یا خارجی شناخته می‌شود. شرکت‌های ایرانی با فعالیت بین‌المللی، به دلیل عدم اعتماد به توانایی آنها، گاه در قالب شرکت‌های خارجی به جریان‌ات اداری وارد شده و مجبور به طی اموراتی شده‌اند که برای اتباع بیگانه در نظر گرفته شده است. در نتیجه بار مالی فراوانی به آن‌ها وارد شده که با توجه به حضور دائمی در کشور، موجب عدم صرفه اقتصادی در حضور در پروژه‌ها می‌گردد. در نتیجه برخی کشور را ترک کرده و در قالب یک بیگانه در برخی پروژه‌ها شرکت می‌کنند که در نهایت به خروج سرمایه از کشور منتهی می‌گردد.

پیش‌تر به مشکل شرکت‌های بین‌المللی در پروژه‌های کاداستر اشاره شده و در عین حال این مهم از چالش‌های اداری-امنیتی دانسته شده بود.^۲ باین وجود طرح رسمیت اداری شرکت‌های چندملیتی در کشور اروگوئه، به تصویب رسید.^۳ بیش از نیمی از شرکت‌های مستقر در اتحادیه اروپا، دارای فعالیت فرامرزی می‌باشند.^۴

۱. محمدی، شیوا؛ خردمندی، سعید؛ «واکاوی علل عدم موفقیت طرح کاداستر در کشور از دیدگاه حقوق اداری»، فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره دوم، ۱۳۹۹، صص ۱۱۱-۱۳۶.

۲. عسگری، محسن؛ حبیبی تبار، حسین؛ قیوم زاده، محمود؛ «واکاوی چالش‌های اداری حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و راهکارهای اصلاح آن»، فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره چهارم، ۱۴۰۱، صص ۱۳-۳۹.

3. EPSTEIN, Richard A. *Structural Protections for Individual Rights: The Indispensable Role of Article III-Or Even Article I-Courts in the Administrative State*. *Geo. Mason L. Rev.*, 2018, 26: 777.

4. COTULA, Lorenzo. (Dis) *integration in global resource governance: extractivism, human rights, and investment treaties*. *Journal of International Economic Law*, 2020, 23.2: 431-454.

در حال حاضر نیاز به شرکت‌های خارجی، بیشتر در صنایع نفت و گاز کشور مشهود بوده و به همین جهت هدف اصلی تحریم‌های جهانی قرارگرفته است.^۱ لذا موضوع پژوهش در حیطه صنعت نفت و گاز کشور انتخاب شد چراکه در حال حاضر، حضور شرکت‌های با تابعیت مضاعف در این صنایع، یکی از معضلات اجرایی کشور محسوب می‌گردد.

مسئله شرکت‌های با اقامتگاه مضاعف از آنجا مورد توجه قرار گرفت که در میانه جنگ‌های جهانی اول و دوم، چندین سرمایه‌گذار انگلیسی به آلمان وارد شده و در آنجا نسبت به تأسیس شرکت اقدام کرده که در نهایت اقدامات مجرمانه آنان محرز گردید. در مقام برخورد قضائی با این شرکت، برخی به استناد تابعیت انگلیسی مالکان اشاره داشته و خواهان اعمال قوانین کشور انگلستان بودند. در مقابل دادستانی معتقد بود که به سبب فعالیت این شرکت در کشور آلمان، می‌بایست قوانین کشور آلمان بر آن جاری باشد.^۲ از آن زمان تاکنون با وجود مباحث حقوقی متعدد در خصوص تابعیت شرکت‌ها، هنوز رویه دقیقی در خصوص معیار تابعیت شرکت‌های با فعالیت برون مرزی ایجاد نشده است. در کشور ما در غیاب رسمیت نهاد تابعیت مضاعف برای اشخاص حقیقی و حقوقی، مشکلات عدیده‌ای برای شرکت‌های ایرانی با فعالیت برون مرزی ایجاد گردیده است.

این سؤال مطرح است که چالش‌های اداری فعالیت شرکت‌های با تابعیت مضاعف در پروژه‌های نفت و گاز کشور شامل چه مواردی بوده و راهکارهای رفع آن چیست؟

فرضیه نویسنده آن است که خلأ برخی قوانین، علاوه بر چالش‌های اداری و در رأس آن دیدگاه اجرایی-اداری نسبت به شرکت‌های با فعالیت فرامرزی، موجب بروز مشکلاتی برای این شرکت‌ها گردیده که در صورت هماهنگی مناسب، می‌توان نسبت به رسمیت فعالیت برون مرزی آنان اقدام نمود که اثر مطلوب آن سهولت امورات اقتصادی می‌باشد.

اهمیت انجام این تحقیق آن است که راه حل اداری، که ساده‌ترین راه اجرایی حل چالش مذکور می‌باشد، برای این مشکل خاص که در حال حاضر یکی از شریان‌های حیاتی کشورمان را نشانه گرفته، معرفی گردد.

۱. دولت آبادی، سمیرا سادات؛ ولایتی، محسن؛ پوراسماعیلی، علیرضا؛ «چالش‌ها و خلأهای قانونی مناقصات و مزایادات دولتی در نظام حقوقی ایران»، مجله علمی پژوهشی حقوق پزشکی، دوره پانزدهم، ۱۴۰۰، ص ۶۶.

2. COTULA, Lorenzo. (Dis) integration in global resource governance: extractivism, human rights, and investment treaties. *Journal of International Economic Law*, 2020, 23.2: 450.

ابتدا از شرکت‌های با تابعیت مضاعف تعریف به عمل آمده، سپس مبانی پروژه‌های نفت و گاز بحث گردیده و در ادامه مسائل اداری این حوزه مورد بحث قرار می‌گیرد و در نهایت الگوی پیشنهادی رفع این چالش‌ها معرفی گردیده است.

گفتار اول. مبانی شرکت‌های با فعالیت فرامرزی

اشخاص عادی ممکن است تابعیت بیش از یک کشور را داشته باشند. مباحث حقوقی در این خصوص بسیار وسیع و خارج از پژوهش کنونی می‌باشد. اشخاص حقوقی به محض تولد دارای تابعیت کشوری شده که مطابق قوانین آن و در آنجا به ثبت رسیده‌اند. به‌طور کلی تابعیت مضاعف برای شرکت‌ها و کشتی‌ها مشهود بوده، لیکن تجربیات آن مختصر است و لذا مباحث حقوقی مرتبط بدان نیز دارای ضعف می‌باشد. با این حال تجربه نشان داده که مسائل اداری بیش از قوانین موضوعه بر این‌گونه مسائل اثرگذار است. ذیل این قسمت به بحث در این خصوص پرداخته شده است.

بند اول. فقدان رسمیت در ایران

پرواضح است که قوانین تجاری کشور بسیار قدیمی بوده و پس از گذشت حدود یک قرن از تصویب آنها، لایحه اصلاح آن در اواخر دهه ۸۰ شمسی آماده شد، لیکن تاکنون مورد تصویب قرار نگرفته است. قانون راجع به ثبت شرکت‌ها در سال ۱۳۱۰ به تصویب رسید و به موجب ماده اول آن «هر شرکتی که در ایران تشکیل و مرکز اصلی آن در ایران باشد شرکت ایرانی محسوب است.»

در ماده ۷۴ قانون تجارت چنین ذکر شده که هیچ مجمع عمومی حق تغییر تابعیت شرکت را ندارد. در ماده ۵۹۱ همین قانون نیز ذکر شده که «اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در آن مملکت است.» قوانین موضوعه در خصوص تابعیت شرکت، نسبتاً متناقض و ناقص می‌باشند. به هر حال منع تابعیت دوگانه برای شرکت‌ها مشهود نیست. حسب تفسیر موسع ماده ۵۹۱ قانون تجارت، می‌توان چنین بیان داشت که اگر یک شرکت در دو یا چند کشور متفاوت دارای اقامتگاه باشد، می‌تواند تابعیت آنها را نیز کسب نماید. با این حال در خلأ قانونی، مقررات اداری به شکلی دیگر با این مسئله برخورد داشته که اهم آن به شرح ذیل می‌باشد.

اداره ثبت شرکت‌ها تنها به ثبت شرکت که اعطای تابعیت نیز به واسطه آن پدید می‌آید مشغول بوده و مسئله کسب تابعیت برای شرکت خارجی در ساختار اداری آن جایگاهی ندارد.^۱

تمامی ارگان‌های کشور در برخورد با بخش خصوصی، تنها دو حالت شرکت ایرانی یا خارجی را تعریف نموده و حالت سوم که شامل تابعیت مضاعف شرکت می‌باشد، در ساختار حقوق اداری کشورمان فاقد جایگاه می‌باشد.^۲ چنین به نظر می‌رسد که قوانین موضوعه با وجود عدم توجه به این مسئله، تابعیت مضاعف برای شرکت‌ها را منع نکرده، لیکن در صحنه اجرایی-اداری، چنین نهادی تعریف نگردیده است.

در این وضعیت، شرکت‌های ایرانی برای فعالیت بین‌المللی خود، به ثبت شرکت جدید با نام متفاوت از شرکت ایرانی، در کشور مدنظر اقدام کرده که عملاً هریک نماینده دیگری محسوب شده و فعالیت بین‌المللی خود را انجام می‌دهند، باین حال تفاوت در نام موجب برخی شکاف‌ها گردیده و در عمل امکان تقویت برند را نادیده می‌گیرد.^۳

بند دوم. وضعیت شرکت‌های با فعالیت فرامرزی در دیگر کشورها

در حقوق انگلستان ملاک تعیین قانون شرکت محل تشکیل شرکت است که اقامتگاه شرکت نیز تلقی می‌شود. قانون محل تشکیل به تمام مسائل مربوط به موجودیت شرکت حکومت می‌کند. این سیستم که در نظام حقوقی هلند نیز مورد عمل است قانون شرکت را قانون محل ثبت آن تلقی می‌کند صرف‌نظر از اینکه شرکت در چه محلی فعال است.^۴ اعطای تابعیت ثانوی به شرکت‌های خارجی که دارای اعتبار مکفی و سرمایه مناسب باشند، ممکن است.

حقوق فرانسه از میان ملاک‌های محل تشکیل و اقامتگاه یا مرکز اداری شرکت ملاک اخیر را ترجیح داده است. به موجب ماده ۳ - ۲۱۰ قانون تجارت فعلی (ماده ۳ قانون سابق شرکت‌ها مصوب ۱۹۶۶)

۱. اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت شرکت‌های تجاری، تهران: سمت، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۸، ص ۷۴.

۲. خیاطیان یزدی، محمدصادق، مهدی الیاسی و سید حبیب‌الله طباطباییان، «الگوی پایداری شرکت‌های دانش‌بنیان در ایران»، سیاست‌نامه علم و فناوری، دوره دوم، ۱۳۹۵، ص ۵۲.

۳. جلالی، محمود؛ طیبی، مرتضی؛ مهران فر، ابراهیم؛ «جهانی شدن و تفسیر قراردادهای تجاری بین‌المللی با تأکید بر طرح قانون مدنی مشترک اتحادیه اروپا»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره اول، ۱۳۹۸، ص ۵۲.

4. VAN LEEUWEN, Judith. Who greens the waves?: Changing authority in the environmental governance of shipping and offshore oil and gas production. BRILL, 2023.P 175.

و نیز ماده ۱۸۳۷ «قانون مدنی»: «شرکت‌هایی که مرکز اداری آنها در سرزمین فرانسه واقع است، تابع قانون فرانسه هستند»؛ تفسیر معمولاً موردپذیرش این ماده این است که هر شرکتی که مرکز اداری آن در سرزمین فرانسه نیست تابعیت فرانسوی ندارد بلکه علی‌الاصول تابعیتی دارد که قانون کشور محل اقامت شرکت آن را معین می‌کند.^۱ رویه قضایی فرانسه در تعیین قانون فرانسه به‌عنوان قانون شرکت در فرضی که اقامتگاه شرکت در کشور فرانسه واقع بوده، تردید نکرده است. مبنای این تفکر این است که شرکت شخصیتی مستقل از شرکا دارد و مصلحت تجارت حکم می‌کند که به این شخصیت حقوقی مستقل تابعیتی اعطا شود که قانون کشور محل اقامت شرکت معین می‌کند.^۲

گفتار دوم. شرکت در مناقصه پروژه‌های نفت و گاز کشور

نفت و گاز ثروتی ملی محسوب شده که دولت به نمایندگی از مردم، اداره آن را در دست دارد؛ لذا درخصوص مواردی نظیر اکتشاف، بهره‌برداری و فروش، از بخش خصوصی داخلی یا خارجی کمک گرفته که در اینجا دولت نقش کارفرما و بخش خصوصی نقش پیمانکار را برعهده دارد. در کشور ما، شرکت ملی نفت ایران به‌عنوان شرکتی صددرصد دولتی، متولی این منابع محسوب می‌گردد. در خصوص کلیات موضوع که شامل نحوه واگذاری پروژه‌ها و شکل استاندارد قراردادها می‌باشد، مسئله از طریق وزارت نفت در هیئت دولت طرح شده و مجوز آن دریافت می‌گردد، سپس تمامی امورات آن توسط شرکت ملی نفت ایران پی‌گیری می‌شود. تاکنون چند نسل مهم از قراردادهای نفتی مشهود بوده که آخرین آن متناسب با شرایط تحریمی و با نام قراردادهای جدید تنظیم گردیده است. بحث در خصوص جزئیات این قراردادها خارج از پژوهش کنونی بوده ولیکن در خصوص نوع بخش خصوصی مخاطب آن، ذیلاً بحث گردیده است.

1. THURBER, Mark C.; HULTS, David R.; HELLER, Patrick RP. Exporting the "Norwegian Model": The effect of administrative design on oil sector performance. Energy Policy, 2011, 39.9: P 5370.

2. JIMÉNEZ, Luis Arroyo. Effective judicial protection and mutual recognition in the European administrative space. German law journal, 2021, 22.3: P 350.

بند اول. پروژه‌های بومی‌سازی شده

پس از انقلاب اسلامی، حساسیت در خصوص حضور بیگانگان در کشور تشدید گردید و در عین حال با توجه به شرایط تحریمی، مسئله بومی‌سازی در دستور کار هیئت دولت قرار گرفت که تا حد زیادی با موفقیت همراه بود.^۱ در دولت‌های هفتم، هشتم و نهم از اختیارات اجرایی استفاده شده و با تصویب هیئت وزیران، در پروژه‌هایی که در توان شرکت‌های داخلی می‌باشد، حضور شرکت خارجی ممنوع گردید. این تصمیم در خصوص قراردادهای پیمان‌های بوده و سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های توسعه‌ای اشتغال‌زا را شامل نمی‌شود.^۲ این تصمیم در قالب سند تنظیم شده و به موجب آن تمامی ارگان‌های اجرایی، ملزم هستند که پیمانکاری‌های خود را به شرکت‌های ایرانی توانا بسپارند و در صورت عدم احراز توانایی شرکت‌های داخلی، با کسب مجوز از هیئت دولت، از پیمانکار خارجی کمک گیرند. باین حال مطابق تعریف حقوق موضوعه از تابعیت شرکت‌ها که به صورت نانوخته و تنها به سبب بی‌توجهی مسئولین، به صورت عرف نامطلوب درآمد؛ فقط دو نوع شرکت ایرانی و داخلی رسمیت دارد.

در سال ۱۳۹۶ و پس از معاهده برجام، مجلس شورای اسلامی قانونی تصویب نمود که شرکت‌های خارجی برای فعالیت در ایران می‌بایست شرکت با شریک ایرانی ثبت نمایند.^۳ این قانون به صورت ناخواسته دارای دو اثر مهم بود. اولاً حضور مستقیم شرکت‌های خارجی در ایران را با محدودیت مواجه نمود؛ ثانیاً امکان اعطای تابعیت به شرکت‌های خارجی را غیرممکن می‌ساخت و این در حالی بود که اصل ۴۱ قانون اساسی بیان می‌دارد که «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.»

اصل ۸۱ قانون اساسی بر مبنای قاعده فقهی «نفی فی سبیل» وضع گردیده و به صراحت بیان داشته که تسلط بیگانگان بر منابع استراتژیک کشور مانع نخواهد بود. حسب تفسیر این اصل مهم، حضور شرکت‌های خارجی در پروژه‌های مهم کشور ممکن نمی‌باشد؛ اما، ممنوعیت این حضور به صورت مطلق نمی‌باشد. اگر بتوان با تدابیر مناسب، از تسلط آنها بر منابع استراتژیک ممانعت

۱. جعفرزاد، امیرعلی، توسعه سرمایه‌گذاری خارجی، تهران: قانون یار، چاپ اول، ۱۳۹۸، ص ۴۵.

۲. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اداری، تهران: سمت، چاپ اول، ۱۳۹۷، ص ۴۱.

۳. جوادی، امیر، حقوق تجارت بین‌الملل، تهران: انتشارات حقوق یار، چاپ سوم، ۱۳۹۸، ص ۷۷.

نمود و در عین حال از تخصص و توانایی‌های شرکت خارجی بهره برد، دغدغه اصل ۸۱ قانون اساسی محقق خواهد شد. بر مبنای اصول حقوق اساسی، متن قانون اساسی به طور کلی نگاشته شده و برای اجرا نیازمند قوانین موضوعه یا آیین‌نامه می‌باشد. اگر به اصل مذکور به طور مطلق نگریسته شود، امکان همکاری با کشورهای خارجی در زمینه‌های متعدد ممکن نخواهد بود. با این حال نیاز است که با اتخاذ تدابیری، امکان حضور شرکت‌های خارجی در کشور را بدون تسلط آنان بر منابع استراتژیک فراهم نمود تا دغدغه‌های دولتمردان و قانون‌گذاران به صورت توأمان تأمین گردد.

در اینجا اهمیت ایرانی یا خارجی بودن شرکت محرز است. در خصوص شرکت‌های ایرانی، چنین حساسیت و یا سخت‌گیری مشهود نبوده و در عین حال به صرف خارجی دانستن شرکت، ممکن است چنین محدودیت‌هایی بر فعالیت آن اعمال گردد.

مثال بارز برای اجرای قانون مذکور، شرکت «هواوی»^۱ می‌باشد که به عنوان پیمانکار شرکت «ام. تی.ان-ایرانسل»^۲ در ایران فعالیت داشت و مجبور به ثبت شرکت ایرانی هواوی در ایران شد که چند شرکت مخابراتی داخلی نیز در آن سهام بودند. در واقع شرکت هواوی ایرانی، شعبه شرکت اصلی هواوی واقع در چین بود.

در این وضعیت، انتقال تجهیزات مستلزم انتقال از شرکت اصلی به شرکت ایرانی بوده که می‌تواند مستقیماً هدف تحریم‌ها واقع شود. مشهود بود که پس از خروج آمریکا از برجام و بازگشت مجدد تحریم‌ها، شرکت هواوی در انتقال تجهیزات خود به کشور با مشکلات عدیده مواجه بود و در نهایت قرارداد خود با شرکت ایرانسل را فسخ نمود.

چالش‌هایی از این دست، در پروژه‌های نفت و گاز کشور نیز مشهود است. شرکت خارجی می‌بایست برای فعالیت خود، در ایران شرکتی جدید با تابعیت ایرانی ثبت نماید و تحت این وضعیت، انتقال تجهیزات به کشور مشمول تحریم خواهد بود.

اگر شرکت با تابعیت دوگانه در این پروژه‌ها حضور داشت، انتقال تجهیزات مشمول تعریف جابه‌جایی عادی بود که علاوه بر معافیت از هرگونه حقوق گمرکی، نمی‌توانست هدف تحریم‌ها قرار گیرد.

1. Huawei

2. MTN – IranCell

بنابراین با اقدام اداری نسبتاً ساده، امکان دور زدن تحریم‌ها و حقوق گمرکی زائد وجود داشت.

بند دوم. پروژه‌های معلق

در برخی از پروژه‌های نفتی همچون استخراج نفت از کف دریا، نیاز به همکاری با شرکت‌های خارجی محسوس است. در وضعیت تحریمی، مالکیت کشتی‌های مخصوص این عملیات برای شرکت‌های ایرانی ممکن نمی‌باشد. البته شرکت‌های ایرانی می‌توانند این تجهیزات را اجاره کرده یا با نام شرکتی دیگر، خریداری نمایند. با این حال در مقررات اداری وزارت نفت، مالکیت این تجهیزات برای احراز توانایی تصریح گردیده است.^۱ در واقع اقدام اداری متولیان صنعت نفت، شرکت‌ها را ملزم به امری کرده که در شرایط تحریمی، ممکن نمی‌باشد.

تحت این شرایط دو چالش دیگر نیز متصور است. مورد اول اینکه اگر شرکت ایرانی از تجهیزات کافی برخوردار باشد، به سبب عدم اطمینان به توانایی و همچنین شرایط تحریمی، حق صادرات آن را ندارد. مورد دوم اینکه شرکت‌های خارجی که این تجهیزات را در کشور خود تحت قوانین مالکیت معنوی به ثبت رسانده‌اند، در صورت حضور در کشور، از حمایت‌های مرتبط بدان نیز برخوردار نخواهند بود.

در صورت رسمیت شرکت‌های دو تابعیتی در حقوق اداری کشورمان، هردو چالش مذکور قابل مرتفع شدن بود. در این خصوص نیاز است که قوانین مالکیت معنوی نیز تغییر یابد چراکه موجب عدم اطمینان شرکت‌های خارجی برای حضور در کشور می‌گردد.

بند سوم. شرایط شرکت در مناقصه

پس از استانداردسازی آخرین مدل قرارداد نفتی و تصویب آن در مراجع ذی‌صلاح، وزارت نفت آیین‌نامه اجرایی آن را به تصویب رسانده و برای اجرا به وزارت نفت ابلاغ نمود.^۲ جهت اطالۀ کلام از ذکر جزئیات آن خودداری شده، لیکن به اهم مسائل مرتبط با بحث اشاره گردیده است:

۱. ناطق پور، محمد متین؛ عباسی، بیژن؛ «جایگاه مشارکت کارمندان در قوانین و مقررات اداری ایران»، حقوق اداری، دوره یازدهم، ۱۴۰۳، ص ۱۶.

۲. جلالی، محمد؛ سلگی، محمد؛ «بررسی اصول و آیین‌های هسته‌ها و هیئت‌های گزینش استخدامی از منظر حاکمیت قانون»، حقوق اداری، دوره یازدهم، ۱۴۰۳، ص ۴۰.

- در این قراردادها، نامی از شرکت ایرانی نیامده، این در حالی است که پس از انقلاب اسلامی، ایرانیان نشان داده‌اند که در نبوغ پیشرو بوده و قادر به بومی‌سازی بسیاری از تجهیزاتی می‌باشند که ابزار قدرت کشورهای غربی بوده است.
- مالکیت تجهیزات برای حضور در پروژه تصریح شده و اجاره آنها توسط پیمانکار ممنوع اعلام شده است.
- منبع گزارش‌های مالی پیمانکار، بورس اوراق بهادار کشور متبوع می‌باشد.
- الزام به اظهارنامه مالیاتی برای پیمانکاران تصریح شده است.

بند چهارم. حساسیت به فعالیت‌های بین‌المللی

در ماده اول آیین‌نامه مذکور، پاسخ استعلام وزارت اطلاعات برای انعقاد قراردادهای نفتی الزامی دانسته شده است. در خصوص سازوکار وزارت خانه مذکور برای پاسخ استعلام، اطلاعاتی دریافت نشده و آئین‌نامه‌های این حوزه در دسترس عموم قرار نمی‌گیرد، لیکن حسب تجربیات مشابه و همچنین برخی مصاحبه‌ها، می‌توان استعلام را وابسته به موارد ذیل دانست.^۱

- شرکت‌های خارجی می‌بایست گسترده فعالیت خود را در معرفی‌نامه ذکر نمایند و در صورت کشف فعالیت اعلام نشده، فعالیت شرکت تا اطلاع ثانوی متوقف می‌گردد. در صورتی که شرکت ایرانی به طریق مذکور شعبه خارجی تأسیس نموده و بدین صورت در ایران فعالیت کند، فعالیت شعبه ایران، جز فعالیت‌های مشکوک محسوب شده که می‌تواند موجب تعطیلی روند عملیات گردد.
- انتقال پول به کشور بدون مخارج عادی و سپس خروج آن از کشور موجب توقف عملیات تا زمان صدور مجوز بانک مرکزی می‌گردد. در این وضعیت اگر حق الزحمه پیمانکار به حساب شرکت اصلی مقیم ایران واریز شده و سپس بخشی از آن از کشور خارج شود، مصداق پول شوئی محسوب شده و تا زمان اظهارنظر بانک مرکزی فعالیت شرکت متوقف می‌گردد.

۱. اسدی، محمد؛ صابر، محمود؛ مسعودی مقام، اسدالله؛ «چالش‌های مداخله کیفری قضایی در وضعیت تعارض منافع در نظام اداری ایران»، حقوق اداری، دوره سی و هشتم، ۱۴۰۳، ص ۶۰.

گفتار سوم. مسائل اداری شرکت در مناقصات

چنانچه بیان شد، در برخی پروژه‌های بومی‌سازی شده، تنها شرکت‌های ایرانی؛ و در برخی دیگر، تنها شرکت‌های خارجی حضور داشته و این مهم نشان از دیدگاه حقوق اداری نسبت به شرکت‌های چندملیتی می‌باشد. ذیل این قسمت امورات اداری شرکت در مناقصات نفت و گاز که توسط شرکت ملی نفت ایران برگزار می‌گردد، مورد مطالعه قرار گرفته است.

بند اول. استعلامات امنیتی شرکت‌های داخلی

به مسئله استعلامات امنیتی پیش از انعقاد قرارداد اشاره شد. این مهم در ماده اول آیین‌نامه واگذاری پروژه‌های نفت و گاز مصوب وزارت نفت، تصریح یافته است.^۱ در صورتی که شرکت با ملیت مضاعف به رسمیت شناخته شده بود، با سهولت بیشتر در این پروژه‌ها حضور می‌یافت. ذیلاً به قیاس حالات مختلف حضور در مناقصات پرداخته شده است.

در وضعیتی که شرکت ایرانی در پروژه‌ها حضور یابد، فعالیت برون مرزی این شرکت به وسیله شعبه خارجی آن، به عنوان فعالیت مشکوک شناخته شده که می‌تواند موجب تأخیر در صدور مجوز حضور در مناقصه گردد. گردش مالی این شرکت مابین شعبه خارجی و داخل کشور نیز می‌تواند مصداق پول شویی قلمداد شود که در کل موجب محدودیت شدید حضور در مناقصه خواهد شد.^۲

در صورتی که شرکت خارجی که شعبه شرکت ایرانی می‌باشد، در پروژه شرکت نماید؛ ارتباط آن با شرکت ایرانی، تحت عنوان فعالیت جانبی شناخته می‌شود. استعلامات مالی این شرکت از وزارت اقتصاد کشور متبوع دریافت شده و ممکن است از حیث پول شویی بارها مورد اتهام قرار گیرند. قضیه از آنجا پیچیده‌تر می‌شود که شرکت ممکن است دارای ارتباطاتی با کشورهای متخاصم باشد.^۳ تصور شود که شرکت با تابعیت دوگانه در مناقصه شرکت کرده است. در این صورت ارتباطات مالی و غیرمالی آن‌ها مسئله داخلی تلقی می‌شد، و به عنوان فعالیت مشکوک محسوب نمی‌گردید. قطعاً

۱. آیین‌نامه وزارت نفت در خصوص واگذاری پروژه‌های نفت و گاز، مصوب ۱۳۹۵.

۲. موسی‌زاده، رضا، حقوق اداری ۱ و ۲ (کلیات و ایران)، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۹۸، ص ۴۴.

۳. علی نقی، نعیم، سرمایه‌گذاری خارجی در بازار ایران، تهران، سخنوران، چاپ اول، ۱۳۹۶، ص ۵۵.

این شرکت تحت قوانین کشور، با کشورهای متخاصم دارای ارتباط نبوده و در کل بدون اتهام‌زنی خاص به فعالیت خود مشغول بود.

بند دوم. برخورد به مانند سرمایه‌گذار خارجی

حضور شرکت خارجی در کشور تحت عنوان سرمایه‌گذار خارجی دانسته شده که مطابق قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذار خارجی مصوب سال ۱۳۸۰ از آن‌ها حمایت می‌گردد. اگر شرکت ایرانی توسط شعبه خارجی خود در پروژه حضور یابد، می‌بایست مراحل اداری سرمایه‌گذاری خارجی را طی نماید. در این صورت مشکلات ذیل متصور است.

مطابق آیین‌نامه اجرائی وزارت نفت در تفسیر ماده ۲۰ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذار خارجی، مدیر پروژه شرکت به همراه هیئت همراه، می‌بایست اصل پاسپورت خود را جهت اخذ اقامت، به وزارت نفت تحویل دهند. قضیه از آنجا پیچیده شده که اگر فردی ایرانی به‌عنوان نماینده شرکت معرفی شود، مدرک شناسایی ایرانی وی مورد قبول نیست؛ چراکه به‌صورت انعطاف‌ناپذیر به مقررات اداری نگریسته شده که از مخاطب، اصل پاسپورت خارجی مطالبه می‌شود. درنهایت اعتراضات این حوزه به هیئت دولت ارجاع شده تا مجوز ادامه فعالیت با مدیریت پروژه ایرانی صادر گردد.^۱ طبیعتاً جلسات هیئت دولت آن قدر فشرده است که مجال رسیدگی زود هنگام به این اعتراضات را ندارد؛ لذا موجب معطلی سرمایه‌گذاران می‌گردد. این چالش نسبتاً ساده به نظر رسیده، لیکن تحت بروکراسی اداری کشورمان، پیچیده شده است.

جدا از این موارد، الزامات انتقالات ارزی، دریافت مالیات به تناسب ارز، پیچیدگی گزارش‌های مالی و...، درنهایت موجب شده که شرکت ایرانی برای فعالیت تحت عنوان سرمایه‌گذار خارجی، بهای سنگینی بپردازد که در این مسیر ممکن است به جرائمی نظیر پول شویی یا اختلال در امنیت کشور متهم گردند. تصور شود که شرکت بین‌المللی در ایران به رسمیت شناخته شده بود. در این صورت نیاز به دریافت مدرک اقامتی نبوده و با سهولت بسیار بالا نسبت به فعالیت تخصصی و همچنین انتقالات بانکی مطابق وجه رایج کشور اقدام می‌شد. در این صورت حضور در مناقصات برای این شرکت‌ها صرفه بیشتری داشت.

۱. شیروی، عبدالحسین، حقوق تجارت بین‌الملل، تهران، سمت، چاپ دهم، ۱۳۹۶، ص ۵۶.

بند سوم. تحریم‌ها

در حال حاضر کشور ما تحت شدیدترین تحریم‌ها قرار دارد. مطابق این تحریم‌ها، فروش یا اجاره برخی تجهیزات مرتبط با پروژه‌های نفتی به شرکت‌های ایرانی ممنوع است.^۱ این در حالی است که آئین‌نامه اجرائی وزارت نفت، الزام به مالکیت این تجهیزات را شرط شرکت در مناقصه دانسته است. از دیگر شروط شرکت در مناقصه، سپردن ضمانت‌های معتبر بانکی در سطح بین‌الملل است. قابل ذکر است که شرکت‌های ایرانی حق دریافت این‌گونه ضمانت را نداشته و شرکت‌های خارجی مجاز به سپردن این‌گونه ضمانت‌ها به سازمان‌های دولتی جمهوری اسلامی ایران نمی‌باشند.^۲ علت این امر تحریم‌های اعمالی بر کشورمان پس از سال ۱۳۹۰ بود که در سال ۱۳۹۷ مجدداً اعمال گردید. پس از اجرای معاهده برجام، تنها به مدت چندماه، ضمانت‌هایی با واسطه کشور عمان صادر می‌شد که امروزه امکان آن وجود ندارد. تصور شود که شرکت بین‌المللی در مناقصات حضور داشت، می‌توانست در داخل ایران ضمانت‌های لازم را سپرده یا با تبدیل تعهد از ضمانت بین‌المللی، ضمانتی متعادل‌تر در ایران بسپارد. نیاز است که این مسئله مهم مورد توجه مسئولین محترم قرار گیرد.

بند چهارم. حل اختلاف در فرم قراردادی

مطابق آخرین فرم قراردادی واگذاری‌های نفتی، حل اختلاف مابین شرکت ملی نفت ایران و پیمانکار خارجی، با ارجاع به داور خارجی ممکن است. در وضعیتی که پیمانکار ایرانی بوده و یا با شعبه خارجی در این پروژه‌ها شرکت نموده، ارجاع به داور خارجی با چالشی بزرگ همراه است، چراکه مطابق قواعد فقهی کشور، حل اختلاف مابین دو مسلمان نباید توسط بیگانه حل و فصل گردد.^۳

مطابق با اصل ۱۳۹ قانون اساسی، ارجاع داوری اموال عمومی که منابع نفتی نیز جزئی از آن می‌باشد، پس از تصویب هیئت دولت ممکن است و در مواردی که طرف خارجی باشد، پس از تصویب مجلس

1. BETANCOURT, Rómulo. Venezuela's oil. Taylor & Francis, 2023, P 141.

2. RYAN, Mark; FOSTER, Steve. *Unlocking constitutional and administrative law*. Routledge, 2023, P 123.

۳. جلالی، محمود؛ شکوری، معصومه؛ «روند متحدالشکل‌سازی حقوق قراردادهای در سطح بین‌المللی»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، دوره سوم، ۱۳۹۲، ص ۱۵۷.

شورای اسلامی این امر ممکن خواهد بود. بنابراین در خصوص بند مذکور دو حالت وجود دارد. یا فرم قراردادی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده که به معنای تفویض اختیار به وزارت نفت می‌باشد؛ باینکه در تفسیر این بند، ارجاع به داوری پس از تصویب مجلس خواهد بود. حالت دوم نمی‌تواند برای طرف خارجی خوشایند باشد، چراکه وی را در جریان حل اختلاف، دچار چالش خواهد نمود؛ بنابراین به احتمال زیاد این اختیار به وزارت نفت تفویض شده تا سرمایه‌گذار خارجی از این حیث دارای اطمینان خاطر باشد. به هر حال فارغ از این بحث، اهمیت ایرانی یا خارجی بودن شرکت پیمانکار در اینجا خود را نشان داده که در ارجاع دعاوی به داوری، رویه متفاوت بوده و ممکن است موجب ایجاد عامل دافعه برای سرمایه‌گذار گردد.

در صورت رسمیت شرکت‌های بین‌المللی در کشور، ضمن استناد به تابعیت ایرانی شرکت، مسئله در داخل کشور حل و فصل می‌شد و طبیعتاً هزینه و زمان بسیار کمتری در این خصوص صرف می‌شد.

گفتار چهارم. الگوی پیشنهادی رفع چالش‌های اداری

به مشکلات خاص شرکت‌های چندملیتی برای حضور در پروژه‌های نفت و گاز اشاره شد. در خصوص رفع این چالش‌ها، الگویی پیشنهاد شده که تفصیل آن به شرح ذیل می‌باشد:

بند اول. شناسایی چالش‌های حقوقی و اداری

در خصوص هریک از معیارهای مذکور برای تابعیت شرکت‌ها، چالشی وجود داشته که ذیلاً در این خصوص مفصلاً بحث گردیده است.

در خصوص معیار اقامت‌گاه، این سؤال مطرح است که در صورت فعالیت فرامرزی شرکت وضعیت تابعیت به چه صورت است؟ آیا شرکت به مانند اشخاص حقیقی می‌تواند دارای تابعیت مضاعف باشد یا خیر. در حال حاضر امکان تابعیت مضاعف برای شرکت‌ها در سراسر جهان وجود ندارد. جدا از مسائل حقوقی، به نظر می‌رسد که نظام‌های اداری کشورها توان و ظرفیت لازم برای تعامل با شرکت‌های با تابعیت مضاعف را ندارند. اشخاصی که به هر نحو با مسائل مرتبط با اداره شرکت آشنایی دارند، به تمامی امورات اداری مرتبط واقف بوده و به خوبی می‌دانند که تفاوت دو نظام اداری نمی‌تواند پذیرای یک شرکت با تابعیت مضاعف باشد. حتی کشورهای با زبان و فرهنگ مشترک

نمی‌توانند این مسئله را بپذیرند. به‌عنوان مثال فرض شود که یک شرکت به‌صورت هم‌زمان در دو کشور اردن و سوریه فعالیت دارد. باوجود تشابه در زبان، فرهنگ، قومیت و... بازهم نظام‌های اداری دو کشور توان برخورد با این شرکت را نخواهند داشت؛ بنابراین کشورها برای حل این مشکل رویه جدیدتری اتخاذ کرده و آن هم الزام به ثبت شرکت جدید در کشور محل اقامت می‌باشد. به‌عنوان مثال مشهود بوده که شرکتی که در خصوص مورد خاص مابین ایران، آلمان و امارات در تردد است، در هر سه کشور شرکت‌هایی با نام‌های متفاوت ثبت کرده و برای فعالیت در هر کشور از آنها استفاده می‌نماید. مزیت این اقدام بهره‌مندی از امتیاز اقامت در هر سه کشور و تردد آسان به آنها بوده در هر کشور مطابق با نظامات اداری آنها رفتار می‌گردد. اما تفاوت در نام آن، امکان شناسایی وابستگی شرکت‌ها را از بین می‌برد.

نظامات اداری کشورها پذیرای ثبت شرکت باهدف تولد شرکت جدید می‌باشند. درواقع شخصیت حقوقی در داخل نظام اداری- حقوقی مدنظر تولد یافته و می‌بایست در چارچوب قوانین این کشورها رفتار نماید. پیش‌تر امکان ثبت شرکت برای اتباع خارجی مقدور نبود اما رفته‌رفته، دولت‌ها به اهمیت جذب سرمایه و تسهیل فعالیت‌های اقتصادی پی برده و با همین هدف شرایطی که در چارچوب آن اشخاص حقیقی با تابعیت خارجی قادر به ثبت شرکت در کشور باشند فراهم گشت؛ بنابراین این شرکت دارای تابعیت میزبان دانسته می‌شود اما در اینجا بازهم، به یکی از دغدغه‌های مهم توجه نشده است. ضمانت‌های حقوقی فعالیت‌های اقتصادی بیگانگان در خاک کشور چیست؟ تقسیم‌بندی اقسام شرکت در قانون تجارت که تصویب آن به حدود یک قرن پیش باز می‌گردد، نشان از توجه قانون‌گذار به این مسئله بوده است. شرکت‌های با مسئولیت محدود فاقد ضمانت مکفی بوده و درعین حال حق ورود به فعالیت‌های اقتصادی گسترده را ندارند. شرکت‌های سهامی با سرمایه بالا و ضمانت کافی تأسیس شده و قادر به فعالیت‌های گسترده اقتصادی می‌باشند. لذا قانون‌گذار به مسئله ضمانت‌ها و پایبندی‌های حقوقی شرکت توجه خاصی داشته است.

بنابراین نیاز است که صاحبان شرکت در خصوص مشکلات احتمالی ناشی از فعالیت‌های خود، ضمانت‌های مکفی را ارائه دهند؛ اما در اینجا نیز مشکلات عدیده‌ای ایجاد می‌گردد. تصور شود که به هر دلیل تعهدات حقوقی شرکت تأدیه نشود، طبیعتاً در این شرایط اقدام حقوقی علیه اشخاص حقیقی و حقوقی سهامدار ایرانی، به نسبت اشخاص حقیقی خارجی سهامدار، ساده‌تر خواهد بود.

در عین حال مشکلات پیش آمده به هیچ وجه برند و نام تجاری صاحبان آن را مخدوش نمی‌نماید. این مهم می‌تواند نوعی مزیت یا معایب برای صاحبان نام باشد. از طرفی برای فعالیت در کشور میزان نیازمند ثبت شرکت با نامی جدید بوده که به معنای ارزش صفر برای این نام است. در واقع توان استفاده از برند اصلی خود در کشور میزبان را نخواهند داشت؛ اما در عین حال، به راحتی می‌توانند مسئولیت‌های حقوقی نام جدید را منکر شوند. در واقع مشکلات حقوقی پیش آمده در کشور میزبان به هیچ وجه دامن‌گیر برند اصلی نخواهند بود.

در صورت روابط سیاسی نسبتاً مناسب دو کشور، دولت‌ها می‌توانند در این خصوص تفاهم‌نامه‌هایی به امضاء برسانند. با این حال حجم روابط سیاسی آن چنان گسترده است که کمتر دولت مردی به فکر تسهیل چنین مسائلی خواهد افتاد. به فرض چنین تسهیلات، این امتیازات مابین دو کشور محدود بوده و قابل تسری به کل جهان نخواهد بود.

در سطح بین‌الملل، منبع حقوقی خاصی در خصوص تابعیت شرکت‌ها وجود ندارد. به فرض وجود چنین منبع حقوقی، تعهد بدان نیز جای بحث دارد. تنها براساس رویه‌های قضائی می‌توان اعتبار هر سه معیار تابعیت را در نظر گرفت. به طور کلی منابع حقوقی بین‌الملل در خصوص مسائل حقوق خصوصی، اندک است. به نظر می‌رسد که معیار کنترل به نحوی که چنین وجود دارد، قابل استفاده نخواهد بود. در این معیار، تمامی دغدغه‌های حقوقی و سیاسی مدنظر قرار نگرفته است. برای بررسی جامع این چالش‌ها و ارائه پیشنهاد‌های سازنده، ابتدا می‌بایست به این سؤال پاسخ داد که تابعیت مسئله‌ای سیاسی است یا حقوقی.

در پاسخ می‌توان چنین بیان داشت که نظامات سیاسی به عنوان یک نظام جامع، محل پرورش دیگر نظامات است. در واقع نظام سیاسی است که کشور را اداره کرده و شکل دهنده نظامات حقوقی اداری، اقتصادی و... می‌باشد. هرچند که قواعد علم حقوق، تا حد زیادی با تصمیم‌های سیاسی در تعارض است، اما، قدرت نظام‌های سیاسی بر قدرت نظام‌های حقوقی برتری داشته و حسب مصالح مشروع یا نامشروع می‌تواند بر شکل‌گیری آن مؤثر باشد. با توجه به اینکه تابعیت مجموعه‌ای از روابط حقوقی، اداری، اقتصادی و... مابین شخص و دولت می‌باشد می‌توان این نهاد را سیاسی دانست.

بنابراین می‌توان بیان داشت که معیار کنترل به شرطی می‌تواند تمامی دغدغه‌های سیاسی را پوشش دهد که قادر به ثبت تمامی موقوف و تعامل به موقع با سطح بین‌الملل باشد. اگر

ارتباط‌های بین دولی به وزارت امور خارجه سپرده شود، اطالۀ تعاملات موجب بروز مشکلات عدیده خواهد شد. در صورت پیگیری و همت طرفین، می‌توان نظامات اداری را به صورت مستقیم با یکدیگر درگیر نمود به نحوی که در کوتاه‌ترین زمان ممکن، مشکلات به وجود آمده حل گردد. تاکنون گزارشی در خصوص حل مشکل معیار کنترل گزارش نشده و در بهترین حالت، مابین دو یا سه کشور توافق‌نامه‌های مرتبط به امضاء رسیده است. اتحادیه اروپا را می‌توان موفق‌ترین سازمان برای اعمال معیار کنترل در درون مرزهای این اتحادیه دانست.

بند دوم. شناسایی شرکت‌های با تابعیت مضاعف

در حین بحث، به صورت مختلف حضور شرکت‌ها در پروژه‌ها اشاره شده و چنین بیان گردید که در صورت رسمیت شرکت‌های چندملیتی در کشور، این چالش‌ها به سهولت قابل حل بود. اما شناسایی این شرکت‌ها به چه طریق ممکن است جای سؤال می‌باشد.

چنانچه بیان شد، در هیچ منبع حقوقی، به عدم شناسایی شرکت چندملیتی اشاره نشده و حتی در تفسیر موسع ماده ۵۹۱ قانون تجارت، می‌توان وجود این شرکت‌ها را به رسمیت شناخت؛ بنابراین ضعف اصلی در این خصوص به مسائل اجرائی-اداری باز می‌گردد.

قانون اساسی به عنوان قانون مادر، در اصول ۴۱ و ۴۲ قانون اساسی به دولت این اختیار را داده که تحت شرایط خاص، تابعیت را سلب یا در صورت صلاحدید نسبت به اعطای تابعیت اقدام نماید. باین وجود طی سالیان متمادی در هیچ منبع حقوقی و یا آئین‌نامه اجرائی، نسبت به تفسیر این اصل اقدام نشده و در حال حاضر با جمع‌بندی منابع حقوق اداری پراکنده و بروکراسی اداری پیچیده، تابعیت ایرانی اعطاء می‌گردد. در اینجا، منظور از اشخاص می‌تواند هم از نوع «حقیقی» و هم «حقوقی» باشد. لذا اصول و قواعد مذکور برای اشخاص حقوقی نیز صادق است.^۱

بنابراین هیئت دولت از این اختیار برخوردار است که برای اعطای تابعیت به شرکت خارجی و یا به رسمیت شناختن تابعیت مضاعف شرکت ایرانی، آئین‌نامه اجرائی تنظیم کرده و برای اجرا به دستگاه مربوطه ارسال نماید.

۱. گاینان، آویل؛ بناسری، ماشالله؛ «قواعد عمومی حقوق شرکت‌ها مطالعه‌ای برای اقتصادهای در حال گذر»، نشریه تحقیقات حقوقی، دوره چهل و پنج، ۱۳۸۶، ص ۲۴۱.

به نظر نمی‌رسد که اعطای تابعیت به شرکت خارجی، برخلاف اصول ۴۲، ۸۱ و ۱۸۳ قانون اساسی باشد. اگر به اصول تفسیری شورای نگهبان در این خصوص رجوع گردد، می‌توان منظور قانون‌گذار از اشخاص را هم از نوع حقیقی و هم از نوع حقوقی دانست. در عین حال شرکت ایرانی با اقامتگاه مضاعف در تعریفی مابین شرکت‌های ایرانی و خارجی قرار داشته و نیاز است که اصل ۸۱ قانون اساسی بدان تعمیم داده شود. در مسیر اجرای اصل ۸۱ قانون اساسی، می‌توان تدابیری برای حضور شرکت‌های مذکور بر منابع نفتی اندیشید تا موجب تسلط آنان بر منابع نگردد. به عقیده حقوقدانان برجسته، در صورت صراحت در شراکت پیمانکار در نفت استخراجی (و نه مخزن نفت) اصل مذکور به درستی اعمال شده است.

اما در چالشی دیگر، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، تابع قوه قضائیه بوده و نه هیئت دولت. از آنجاکه اداره ثبت شرکت‌ها تحت نظارت این سازمان می‌باشد، اجرای امور اداری رسمیت این شرکت‌ها، دارای چالش است.

در پاسخ به این سؤال می‌توان بیان داشت که به عقیده اکثریت حقوق دانان اداری، استقلال قوای سه‌گانه به مسائل ماهوی محدود بوده و در مسائل اداری، دولت به عنوان قوه ارشد شناخته می‌شود؛ لذا در این مسائل، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ملزم به تبعیت از هیئت دولت می‌باشد.^۱

در نهایت اینکه، با اراده هیئت دولت و یا حتی به پیشنهاد سازمان ثبت و اسناد کشور، می‌توان شرکت‌های چندملیتی را به رسمیت شناخت که موجب سهولت در بسیاری از مسائل اجرایی اداری و اگذاری پروژه‌ها می‌گردد.

بند سوم. تسهیل در استعلامات

استعلام در لغت به معنای «گرفتن اطلاعات» می‌باشد. باین حال در ساختار اداری، عدم پاسخ به استعلام، نوعی تعلیق در روند فعالیت دانسته شده، این در حالی است که اکثر حقوق دانان اداری برجسته، به لزوم دادن پاسخ مثبت یا منفی در استعلامات تأکید کرده‌اند.^۲ سازمان‌های امنیتی که سعی در خلاصه‌نویسی

۱. پاسبان، محمدرضا؛ «قانون تجارت ایران در گردونه تحول بررسی اصلاح مقررات شرکت‌های تجاری»، مجله پژوهش‌های حقوقی، دوره هشتم، ۱۳۸۴، ص ۱۵.

2. EPSTEIN, Richard Epstein Richard, et al. *The dubious morality of modern administrative law*. Rowman & Littlefield, 2020. P 54.

مکاتبات دارند، درج علت عدم تأیید را نوعی درز اطلاعات می‌دانند، این در حالی است که در اکثر کشورهای جهان، ذکر پاسخ رد بدون علت نیز با مسائل امنیتی غیر متعارض دانسته شده است.^۱

در خصوص لزوم رسمیت شرکت‌های بین‌المللی، در بند پیشین صحبت شد. به فرض رسمیت این شرکت‌ها، می‌توان در جلسه هماهنگی هیئت دولت، وزارت اطلاعات را ملزم به ارائه پاسخ به موقع، و در چارچوب مقررات دانست. چنانچه بیان شد در حال حاضر دسترسی به مقررات اداری این وزارت‌خانه ممکن نیست، اما در جلسه هیئت دولت، دسترسی به آن ممکن است. از آنجاکه تأخیر در صدور استعلام، یکی از مشکلات پیمان‌کاران در پروژه‌های نفت و گاز دانسته می‌شود، نیاز است که پس از تعریف شرکت‌های چندملیتی، چارچوب خاص استعلامات این حوزه را تدوین نمود.

بند چهارم. قانون ویژه حمایت از شرکت‌های داخلی با فعالیت‌های بین‌المللی

به فرض عدم رسمیت شرکت بین‌المللی یا عدم اخذ تابعیت مضاعف شرکت ایرانی، می‌توان با وضع آئین‌نامه اجرایی، از این‌گونه شرکت‌ها حمایت نمود، چراکه فعالیت بین‌المللی این شرکت‌ها می‌تواند محرک اقتصاد کشور تلقی گردد.

چنانچه بیان شد، شرکت‌های ایرانی که باهدف فعالیت‌های بین‌المللی شعبه خارجی تأسیس می‌نمایند، در جریان پروژه‌های نفتی، دارای چالش‌هایی می‌باشند. حداقل اقدام دولت در این خصوص، می‌تواند تعریف این‌گونه شرکت‌ها و تسهیل روند فعالیت اجرائی آن‌ها در مناقصات باشد.^۲ در خصوص شرکت‌های ایرانی دارای فعالیت بین‌المللی نیز می‌توان ضمن تعریفی خاص برای آنها، مزایایی در نظر گرفت تا با سهولت بیشتر در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت داشته باشند.

پیشنهاد اخیر متعلق به شرایطی است که مسئله شرکت‌های بین‌المللی و رسمیت آنها با چالش مواجه شده و به‌عنوان اقدام اجرایی جایگزین شناخته می‌شود.

1. HSIAO, Allan. *Coordination and commitment in international climate action: evidence from palm oil*. Unpublished, Department of Economics, MIT, 2021. P 55.

2. ENDICOTT, Timothy. *Administrative law*. Oxford University Press, 2021, P 75.

نتیجه‌گیری

در حال حاضر، محل ثبت و محل اقامت دفتر اصلی، به‌عنوان معروف‌ترین معیارهای تابعیت شرکت‌ها محسوب می‌گردند. با این حال اعطای تابعیت به شرکت بیگانه فاقد منع حقوقی بوده که به سبب عدم توجه حقوق دانان به تأسیس رابطه مادر-تبعه، به‌صورت یک چالش باقی مانده است.

با این حال در کشورهای توسعه‌یافته که نیازمند سرمایه شرکت‌های خارجی می‌باشند یا تابعیت مضاعف به رسمیت شناخته شده یا اینکه فعالیت شرکت‌های خارجی در داخل این کشورها بدون مانع خاصی می‌باشد. اعطای مجوز فعالیت‌های اقتصادی در این کشورها بدون هیچ‌گونه سخت‌گیری می‌باشد.

منابع حقوق بین‌الملل معمولاً گستره فعالیت شرکت را معیار تابعیت آن می‌دانند. با این حال این منابع از گستره حقوق خصوصی بین‌الملل غافل بوده و به همین جهت به مسئله تابعیت مضاعف توجهی ندارند.

در حال حاضر فعالیت شرکت‌ها در داخل مرزهای هر کشور به ثبت شرکت جدید بانام جدید در داخل همان کشور وابسته بوده و این مهم در حال حاضر عرف و رویه قضایی مرتبط با شرکت‌های چندملیتی محسوب می‌گردد که نیاز به توجه حقوق‌دانان و توافق دولت‌ها در این خصوص دارد.

فرض این بود که چالش‌های مذکور شامل تعریف قواعد اداری تنها در دو مسیر تابعیت ایرانی یا خارجی بوده که موجب عدم شناسایی شرکت‌های با تابعیت مضاعف در این امورات می‌گردد. همچنین منع قانونی برای رسمیت شرکت‌های با تابعیت مضاعف وجود نداشته و محتملاً این چالش‌ها به سبب اقدامات اداری ناصحیح ایجاد شده که تنها با اصلاح اداری نیز قابل مرتفع شدن است.

پس از بحث‌های مختلف، می‌توان فرضیه پژوهش را مورد تأیید قرار داد و آن را پاسخی متناظر با سؤال دانست. چنانچه بیان شد، بحث شرکت‌های چندملیتی در قوانین موضوعه دارای خلأ است. از یک سو به سبب این خلأ، نمی‌توان منع قانونی برای تعریف این شرکت‌ها در نظر گرفت، از طرف دیگر ماهیت نظام حقوقی کشورمان (رومی-ژرمنی) و به تبع آن وابستگی حقوق اداری کشورمان به منابع حقوق نوشته، موجب شده که تنها دو نوع شرکت ایرانی و خارجی تعریف گردد. در صحنه

تخصصی، شرکت‌هایی با فعالیت بین‌المللی مجبور به ثبت شعبه خود با نامی دیگر و در کشوری دیگر بوده که در این شرایط، ارتباطات داخلی تابع روابط بین کشورها بوده و هزینه‌های زیادی به بخش خصوصی وارد می‌گردد. این مهم موجب گردیده که تمایل شرکت‌های خصوصی توانا، برای حضور در پروژه‌های نفت و گاز، شدیداً کاهش یابد. در وضعیت تحریمی کشور، بیش‌ازپیش این توانایی محسوس می‌باشد. لذا نیاز است که از اختیارات اجرائی-اداری استفاده شده و تابعیت مضاعف برای اشخاص حقوقی از نوع حقوق خصوصی به رسمیت شناخته شود. در مسیر اجرای این مهم، پیشنهادهای ذیل ارائه شده است.

۱. به هیئت محترم دولت پیشنهاد شده که برای اجرای اصول ۴۱ و ۴۲ قانون اساسی، آئین‌نامه‌ای جامع تصویب کرده که در آن، شرکت‌های با تابعیت مضاعف را به رسمیت بشناسد. نیاز است که سازمان ثبت اسناد و املاک به‌عنوان متولی ثبت شرکت‌ها، از طریق وزارت دادگستری پیگیر این موضوع باشد.

۲. پس از رسمیت شرکت‌های بین‌المللی، نیاز است که وزارت نفت، پیگیر اصلاح فرم قراردادهای واگذاری در هیئت دولت شده و شرایط یک‌جانبه‌نگرانه‌ای که به شرکت‌ها داشت، تعدیل نماید. در این صورت ضمن سهولت انتقالات شرکت‌ها، شرکت‌های داخلی توانا قادر به اجرای پروژه‌های نفت و گاز بوده و درعین حال اهداف سرمایه‌گذاری خارجی نیز محقق می‌گردد.

۳. نیاز است که وزارت اطلاعات در آئین‌نامه محرمانه خود که به استعلام سرمایه‌گذاران مرتبط خارجی می‌باشد تجدیدنظر کرده و ضمن رسمیت شرکت‌های با فعالیت بین‌المللی، ارتباطات داخل و خارج آنها را به‌عنوان فعالیت داخلی مشروع تلقی کرده و نسبت به آن حساس نباشد. درعین حال ضمن زمان‌بندی پاسخ استعلامات، موجب تعلیق در اجرای پروژه‌های نفت و گاز نگردد.

درنهایت این‌که اقدامات فوق‌بیش‌ازپیش موجب رونق اقتصادی شده و توسعه بخش خصوصی که یکی از دغدغه‌های دولت می‌باشد، به نحوی بهتر انجام شده و می‌توان شاهد خروج کمتر ارز از کشور بود.

فهرست منابع

فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت شرکت‌های تجارتي، تهران: سمت، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۸.
۲. جعفرنژاد، امیرعلی، توسعه سرمایه‌گذاری خارجی، تهران: قانون یار، چاپ اول، ۱۳۹۸.
۳. جوادی، امیر، حقوق تجارت بین‌الملل، تهران: انتشارات حقوق یار، چاپ سوم، ۱۳۹۸.
۴. شیروی، عبدالحسین، حقوق تجارت بین‌الملل، تهران، سمت، چاپ دهم، ۱۳۹۶.
۵. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اداری، تهران: سمت، چاپ اول، ۱۳۹۷.
۶. علی نقی، نعیم، سرمایه‌گذاری خارجی در بازار ایران، تهران، سخنوران، چاپ اول، ۱۳۹۶.
۷. موسی‌زاده، رضا، حقوق اداری ۱ و ۲ (کلیات و ایران)، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۹۸.

ب) مقاله‌ها

۱. اسدی، محمد؛ صابر، محمود؛ مسعودی مقام، اسدالله؛ «چالش‌های مداخله کیفری قضایی در وضعیت تعارض منافع در نظام اداری ایران»، حقوق اداری، دوره سی و هشتم، ۱۴۰۳، صص ۵۹-۹۰.
۲. پاسبان، محمدرضا؛ «قانون تجارت ایران در گردونه تحول بررسی اصلاح مقررات شرکت‌های تجاری»، مجله پژوهش‌های حقوقی، دوره هشتم، ۱۳۸۴، صص ۱۱-۴۰.
۳. جلالی، محمد؛ سلگی، محمد؛ «بررسی اصول و آیین‌های هسته‌ها و هیأت‌های گزینش استخدامی از منظر حاکمیت قانون»، حقوق اداری، دوره یازدهم، ۱۴۰۳، صص ۳۷-۵۸.
۴. جلالی، محمود؛ شکوری، معصومه؛ «روند متحدالشکل سازی حقوق قراردادهای در سطح بین‌المللی»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، دوره سوم، ۱۳۹۲، صص ۱۵۵-۱۷۱.
۵. جلالی، محمود؛ طیبی، مرتضی؛ مهران فر، ابراهیم؛ «جهانی شدن و تفسیر قراردادهای تجاری بین‌المللی با تأکید بر طرح قانون مدنی مشترک اتحادیه اروپا»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره اول، ۱۳۹۸، صص ۴۹-۶۸.

۶. خیاطیان یزدی، محمدصادق، مهدی الیاسی و سید حبیب‌الله طباطباییان، «الگوی پایداری شرکت‌های دانش‌بنیان در ایران»، سیاست‌نامه علم و فناوری، دوره دوم، ۱۳۹۵، صص ۴۹-۶۲.
۷. دولت‌آبادی، سمیرا سادات؛ ولایتی، محسن؛ پوراسماعیلی، علیرضا؛ «چالش‌ها و خلأهای قانونی مناقصات و مزایده‌های دولتی در نظام حقوقی ایران»، مجله علمی پژوهشی حقوق پزشکی، دوره پانزدهم، ۱۴۰۰، صص ۶۵۹-۶۷۲.
۸. عسگری، محسن؛ حبیبی تبار، حسین؛ قیوم‌زاده، محمود؛ «واکاوی چالش‌های اداری حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و راهکارهای اصلاح آن»، فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره چهارم، ۱۴۰۱، صص ۱۳-۳۹.
۹. گایان، آویل؛ بناسری، ماشالله؛ «قواعد عمومی حقوق شرکت‌ها مطالعه ای برای اقتصادهای در حال گذر»، نشریه تحقیقات حقوقی، دوره چهل و پنج، ۱۳۸۶، صص ۲۳۹-۳۳۵.
۱۰. محمدی، شیوا؛ خردمندی، سعید؛ «واکاوی علل عدم موفقیت طرح کاداستر در کشور از دیدگاه حقوق اداری»، فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره دوم، ۱۳۹۹، صص ۱۱۱-۱۳۶.
۱۱. ناطق‌پور، محمد متین؛ عباسی، بیژن؛ «جایگاه مشارکت کارمندان در قوانین و مقررات اداری ایران»، حقوق اداری، دوره یازدهم، ۱۴۰۳، صص ۱۳-۳۵.

ج) قوانین و مقررات

۱. قانون اساسی ایران، مصوب ۱۳۵۸، بازنگری شده در سال ۱۳۶۸.
۲. قانون تجارت، مصوب ۱۳۱۱ با آخرین اصلاحات.
۳. قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری، مصوب ۱۳۸۰.
۴. قانون راجع به ثبت شرکت‌ها، مصوب ۱۳۱۰.

2. Latin source

A) Book

1. BETANCOURT, Rómulo. **Venezuela's oil**. Taylor & Francis, 2023.
2. ENDICOTT, Timothy. **Administrative law**. Oxford University Press, 2021.
3. EPSTEIN, Richard Epstein Richard, et al. **The dubious morality of modern administrative law**. Rowman & Littlefield, 2020.

4. HSIAO, Allan. **Coordination and commitment in international climate action: evidence from palm oil**. Unpublished, Department of Economics, MIT, 2021.
5. RYAN, Mark; FOSTER, Steve. **Unlocking constitutional and administrative law**. Routledge, 2023.
6. VANLEEUWEN, Judith. **Who greens the waves?: Changing authority in the environmental governance of shipping and offshore oil and gas production**. BRILL, 2023.

B) Article

1. COTULA, Lorenzo. (Dis) **integration in global resource governance: extractivism, human rights, and investment treaties**. *Journal of International Economic Law*, 2020, 23.2: 431–454.
2. EPSTEIN, Richard A. **Structural Protections for Individual Rights: The Indispensable Role of Article III–Or Even Article I–Courts in the Administrative State**. *Geo. Mason L. Rev.*, 2018, 26: 777.
3. JIMÉNEZ, Luis Arroyo. **Effective judicial protection and mutual recognition in the European administrative space**. *German law journal*, 2021, 22.3: 344–370.
4. THURBER, Mark C.; HULTS, David R.; HELLER, Patrick RP. **Exporting the “Norwegian Model”: The effect of administrative design on oil sector performance**. *Energy Policy*, 2011, 39.9: 5366–5378.

Analyzing the challenges of the presence of companies with dual residence in the country's oil and gas projects

Farman KaramRavan¹

Morteza Asadloo²

Naser Masoodi³

Abstract

In our country, the issue of dual citizenship of companies has been neglected, therefore, in the literature of administrative law, there are only two definitions of Iranian and foreign companies. Under these conditions, Iranian companies with international activities are forced to choose another name and register the company in a third country. This research was conducted in an analytical–descriptive method and its purpose is to investigate the administrative challenges of the presence of the mentioned companies in the country's oil and gas projects. It was concluded that in important projects, due to the lack of ownership of equipment, there is no confidence in the ability of Iranian companies, and in the conditions of sanctions, any communication between the company's foreign branch and the main office in Iran is monitored under the title of cross–border relations and can be costly. Inside the country, the aforementioned communications are viewed from a security point of view, which can be subjected to accusations such as money laundering and sabotage by the aforementioned authorities. The administrative system has not even paid attention to the all–Iranian companies with international activities, and this causes their lack of motivation in the aforementioned costly activities. In the relevant laws, there is no limit for the recognition of dual citizenship of companies, and the administrative–executive authorities can recognize the internationality of the company while approving the complete bylaws regarding the implementation of principles 41 and 42 of the constitution. In this case, the internal relations of the company, even with the international aspect, lack sensitivity and many of the mentioned challenges can be solved by themselves.

Keywords: Companies, Tenders and auctions, Oil and gas, Dual citizenship, Administrative challenges.

1. PhD student, private law, Tabriz branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran, FarmanKaram@gmail.com.

2. Assistant Professor, Department of Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran, asadlou.m@gmail.com (Corresponding author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran, gharibelawyer@gmail.com